

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ارباب از ارتکاب جرم به واسطه مجازات به صورت علنی

تالیف

رسول ملکی

زینب ملکی

سمیه بگ زاده

انتشارات فرزندگان دانشگاه

۱۳۹۲

سرشناسه	: ملکی، رسول، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: ارعاب از ارتکاب جرم به واسطه مجازات به صورت علنی / تالیف رسول ملکی، زینب ملکی، سمیه بگ‌زاده.
مشخصات نشر	: تهران: فرزانهگان دانشگاه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۰ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۲۱۹-۳-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: بازدارندگی از جرم و جنایت از طریق مجازات
موضوع	: Punishment in crime deterrence
موضوع	: مجازات -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Punishment -- Religious aspects -- Islam
موضوع	: مجازات -- ایران
موضوع	: Punishment -- Iran
شناسه افزوده	: ملکی، زینب، ۱۳۶۵ -
شناسه افزوده	: بگ‌زاده، سمیه، ۱۳۶۷ -
رده بندی کنگره	: ۷۹۳۱ K۵۱۰۳/مالف ۴
رده بندی دیویی	: ۶۰۱/۳۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۰۱۴۱۹

اشارات فرزانهگان دانشگاه

ارعاب از ارتکاب جرم به واسطه مجازات به صورت علنی

تألیف: رسول ملکی - زینب ملکی - سمیه بگ‌زاده

ناشر: فرزانهگان دانشگاه

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

شابک: 978-622-95219-3-9

مرکز فروش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶

فهرست مطالب

۹.....	فصل اول.....
۹.....	کلیات.....
۲۹.....	فصل دوم.....
۲۹.....	اجرای مجازات به صورت علنی برای ارباب و ترساندن دیگران از ارتکاب جرایم.....
۱۱۶.....	منابع و مآخذ.....

تقدیم به پدران و مادرانمان

فصل اول

کلیات

برنامه تربیتی اسلام برای رهایی انسانیت از گمراهی، فساد و تباهی پی ریزی شده است و قبل از هرچیز به تزکیه نفوس و تربیت انسان پرداخته و به انسان صلاح تقوا و عبادت را هدیه داده است تا ریشه مفاسدی همچون خودپسندی، حب ذات، غرور توسط این خلیفه الهی خشکانده شود و راه سعادت و کمال به روی وی باز گردد. از سوی دیگر اصلاح محیط را مدنظر قرار می‌دهد و ادوات و آلات جرم و جنایت و فساد مانند ناعدالتی‌ها، قمارخانه و سایر مراکز فساد و فحشا را به طور کامل از صفحه اجتماع محو کند تا زمینه رشد و تعالی انسان‌ها فراهم آید و زمینه جرم و جنایت به کلی ریشه کن شود. اهداف نظام جزایی در اسلام متعدد است که مهمترینشان عبارتند از: اجرای عدالت، حراست از ارزشها، پاسداری از حقوق افراد و احترام به آزادی آنان، تأمین امنیت و حفظ نظم عمومی، پیشگیری از ارتکاب جرم، تهذیب نفوس و اصلاح افراد جامعه، ارباب دیگران، تطهیر و آموزش گناهان، کفاره ذنوب و حفظ گناهکار از عذاب آخرت، اکنون به تصریح پاره ای از مهمترین اهداف می‌پردازیم.

گفتار اول: تأمین عدالت و امنیت اجتماعی

گرایش به عدالت و تلاش در جهت استقرار نظم و امنیت در ابعاد فردی و اجتماعی از اصول زیربنایی نظام حقوقی اسلام می‌باشد. بر این اساس می‌توان گفت که مجازات از دیدگاه اسلام

در راستای تأمین عدالت کیفری تشریح شده و این عدالت در قصاص کاملاً محسوس و قابل درک است، چرا که نظام اجتماعی و نیاز فطری و ذاتی انسان اقتضاء می‌کند که جانی را بوسیله اجرای قصاص از تکرار اعمال مشابه و همچنین مجنی علیه یا وابستگان و اطرافیان وی را از انتقام‌گیری‌های جاهلانه و متعصبانه باز داشته و امنیت و آرامش را به جامعه باز گردانیم.^۱ و در اجتماعی که عدالت حکم فرما نباشد، آن اجتماع بزودی از هم پاشیده خواهد شد: «الملك یقی مع الکفر و لایقی مع الظلم» بنابراین عدالت حکم می‌کند که از طرفی خادمین و نیکوکاران مورد تشویق قرار بگیرند و مجرمین و بدکاران تنبیه شوند، و از طرف دیگر مجازات هر یک از مجرمین را نیز متناسب با جرم او در نظر گرفته و او را به نسبت اهمیت خطایش تنبیه می‌کنیم. و این توجه به آن بخش از کیفرهای اسلامی دارد که مبارزه با معصیت و گناه است در حالی که شخصیت بزهکار مورد توجه قرار می‌گیرد حمایت از جامعه انسانی است و در جرائمی منظور می‌شود که حیات اجتماع را با خطر مواجه سازد و مرتبط با مصالح جمع باشد، مانند حد، قصاص، دیه که با توجه به جرائم مختلف تعیین شده است.

گفتار دوم: اصلاح نفس و تربیت بزهکار

اصلاح مجرمین به وسیله تهذیب نفوس و دوری جستن از گناه از طریق عفو توبه گناهکار بیانگر گذشت، رأفت و انسان‌سازی، تعالیم اسلامی است، چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «پس هر که بعد از ستمی که کرد توبه کرده و کار خود را اصلاح نمود از آن پس خدا او را خواهد بخشید، که خداوند بخشنده مهربان است».^۳

شیخ محمود شلتوت در کتاب «القصاص» خود در همین رابطه می‌گوید «هدف شریعت از نظام کیفری بطور مسلم، اصلاح نفوس و تهذیب آنها و تلاش در جانب سعادت، جوامع بشری است

۱. «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب» سوره بقره، آیه ۱۷۹.

۲. کیفرشناسی، جاوید، صلاحی، زمستان ۱۳۵۲، تهران، انتشارات آرش، چاپ اول، صص ۸ و ۹.

۳. قرآن مجید، سوره مائده، آیه ۳۹.

و با این هدف راه سالمی را مفید تشخیص داده در پیش گرفته و در سوق دادن مردم به آن از هیچگونه کوششی فروگذار نکرده است.»

با توجه به این مراتب، کاملاً واضح می‌شود که شریعت در وضع مقررات کیفری و اجرای آنها به آن اندازه حریص است که مصلحت ایجاب می‌کند و زمانی که شبهه‌ای بوجود آمد و با مصلحت مورد نظر تعارض پیدا کرد و یا تشخیص داده شد که عفو و گذشت به صلاح و تربیت او نزدیکتر است، می‌توان از اجرای مقررات کیفری یا ادامه اقدامات کیفری اعمال شده صرف نظر نماید، چون هدف شریعت اسلام از تعیین کیفرها حفظ مصلحت جامعه است.^۱

در نظام کیفری اسلام جهت تحقق بخشیدن به این هدف مهم یعنی اصلاح بزهکار، شرایط و موانعی لحاظ شده تا از اجرای کیفرها حتی الامکان خودداری شود بعنوان مثال قیود و شرایطی در نظر گرفته شده که جرائم به راحتی قابل اثبات نباشد و بالاخره هنگامی که از کیفرها به عنوان آخرین ابزار مبارزه علیه بزهکاری استفاده می‌شود، اصلاح و نوسازی مجدد بزهکار جهت بازگشت به زندگی عادی مدنظر قرار گرفته است.^۲

گفتار سوم: ارباب و پیشگیری

جامعه اسلامی با مجازات بزهکاران احتمالی که زمینه‌ی استعداد ارتکاب جرم را دارند، هشدار می‌دهد که از ارتکاب جرم منصرف شوند، زیرا حتمیت و قطعیت مجازات‌ها در حقوق اسلام ایجاد هراس می‌کند، همچنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المجرمین»^۳ یعنی «ای رسول ما، این کافران را بگو در زمین سیر کنید تا بنگرید که عاقبت حال بدکاران چگونه بوده است.» مقصود از جنبه اربابی مجازات‌های اسلامی این است

^۱. القصاص، شلتوت، شیخ محمود، ۱۳۶۱، دارالکتاب الاسلامیه، ج ۱، ص ۸۸

^۲. باید توجه داشت که نمی‌توان برای برخی از کیفرها، چون اعدام، هدف «اصلاح و تربیت بزهکار» را در نظر گرفت.

^۳. سوره نمل، آیه ۶۹.

که با اعمال کیفرها، از یک سو بزهکاران احتمالی نیز مرعوب شده و دیگر به سوی ارتکاب جرم روی نیاورند. از دیدگاه اسلام که هدف اصلی خود را تربیت انسان و تعالی روحی او می‌داند، باز داشتن او از سقوط و انحطاط اخلاقی، در رأس برنامه های تربیتی قرار دارد و بخش زیادی از تعالیم اخلاقی و احکام شرعی این امر مهم اختصاص یافته است. از دیدگاه اسلام، انسان باید به سطحی از بینش و اعتقاد قلبی برسد که نه تنها از ارتکاب جرم خودداری نماید، بلکه از آن نیز متنفر و گریزان باشد. در شریعت اسلام امر به معروف و نهی از منکر موجبات جلوگیری از ارتکاب جرم را فراهم می‌سازد و کیفر، به عنوان آخرین ابزار بازدارنده محسوب می‌شود. فقها در بحث اهداف کیفرها به زاجر و رادع بودن آنها اشاره نموده اند. ابن الهام حنفی معتقد است که باید مجازات توان بازدارندگی داشته باشد، یعنی آگاهی پیدا کردن به آنها، انسان را از مبادرت به گناه باز دارد و دانستن آن بعد از ارتکاب گناه از بازگشت مجدد جلوگیری کند.^۱

بخش اول: مفهوم ملاء عام و علن

مبحث اول: مفهوم ملاء عام

گفتار اول: مفهوم لغوی

در مجمع البحرین پس از ذکر برخی شواهد قرآنی آدر مورد معنای «ملاء» آمده است: «گفته شده، ملاء جماعتی از مردم هستند که چشم و دل را پر می‌کنند و نیز گفته می‌شود ملاء، بزرگان و اشراف مردم را گویند که به قول و کلام آنها رجوع شود.»^۳ راغب اصفهانی در

^۲. حقوق جزای عمومی، شامبیاتی، هوشنگ، پاییز ۷۵، انتشارات ویستار، ج ۲، چاپ هشتم، ص ۳۰۲.

^۱. سوره یوسف، آیه ۴۳ و سوره بقره، آیه ۲۴۶.

^۲. الطریحی، شیخ فخرالدین، ۱۴۰۸ ق، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، چاپ دوم، مکتبه النشر التفاقیه الاسلامیه، ج ۴، ص

«مفردات» در مورد معنای «ملاء» آورده است «جماعتی را گویند که درای یک دیدگاه و اندیشه واحد هستند و چشم‌ها را سیراب کرده [چشمگیرند] و جلال و عظمتی در دل می‌افکنند»^۱ «ملاء» همچنین در نزد علمای علم لغت به معنای گروه مردم، گروه بزرگان، انجمن، محفل و آشکار نیز آمده است. عام در مقابل خاص؛ به معنای همگانی، همگان و تمام مردم آمده است.^۲ و مفهوم لغوی «در ملاء عام» به معنای در معبر و کوی و کوچه و پیش همه، به کار رفته است.^۳

گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی

تعبیر در «ملاء عام» در اصطلاح به معنای در انظار عموم و در معرض دید مردم کوچه و بازار می‌باشد و هنگامی که صحبت از اجرای کیفر در ملاء عام می‌شود، بدین مفهوم است که نمایش اجرای کیفر در میان مردم، که اغلب در میدانی مرکزی شهر و یا روستا و محل رفت و آمد عموم و یا در محل ارتکاب جرم انجام می‌گیرد، علی‌الاصول بدون هیچگونه محدودیت و مانعی صورت گیرد.

در مراسم اجرای کیفر در ملاء عام، معمولاً همه افراد می‌توانند در صحنه اجرای حکم حاضر شده و اجرای کیفر بر محکوم را نظاره نمایند.

^۱ المفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، چاپ اول، دمشق و بیروت، درالقلم و دار السامیه، ص ۷۷۶.

^۲ لسان العرب، ابن منظور، ۱۴۱۶ ق، چاپ اول (دوره جدید)، بیروت، دارالحیا التراث العربی و موسسه التاریخ العربی، ج ۱۳، ص ۱۶۶.

^۳ لغت نامه، دهخدا، علی اکبر، پاییز ۱۳۷۳، چاپ اول (دوره جدید)، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱۳، ص ۱۸۹۴۵.

^۴ همان، ج ۹، ص ۱۳۸۲۵.

^۵ همان، جلد ۱۳، ص ۱۸۹۴۵.

مبحث دوم: مفهوم علن

گفتار اول: مفهوم لغوی

در «مفردات» آمده است: «علن، العلانیه، نقطه مقابل سرّ و پوشیده است و اغلب در معانی و غیر محسوسات به کار برده می‌شود. نه در محسوسات عینی (اجسام)، و اینکه می‌گویند علن کذا و اعلنته انا؛ یعنی آشکار شده و من آشکارش کردم.»^۱

علامه دهخدا در مورد معانی واژه «علن» می‌نویسد: «علن (ماخوذ از عربی با تغییر حرکت لام از کسره به فتحه) به معنای آشکارا، ضد سرّ، ظاهر و منتشر»^۲ و «علنی» به معنای آشکارا و هویدا، و «علناً» به معنای به طور آشکار می‌باشد.^۳

گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی

از آنجا که واژه «علن» در مقابل سرّ و پوشیده بوده و به معنای آشکارا، ظاهر و منتشر، می‌باشد. لذا وقتی صحبت از علنی شدن چیزی یا امری می‌شود، اصطلاحاً بدین مفهوم است که آن امر از حالت سرّی بودن خارج شده و به طریقی شخص یا اشخاص دیگر از آن مطلع می‌شوند، لذا برای صدق علن آگاه شدن یک نفر هم کفایت می‌کند، همچنین علنی شدن یک امر به طرق مختلف امکان پذیر است. با توجه به موارد ذکر شده، اینگونه استنباط می‌شود که ترکیب «ملاء عام» با واژه «علن» از جهت مفهوم کاملاً یکسان و مترادف نمی‌باشد و باید گفت که مفهوم علن اعم از ملاء عام می‌باشد و زیرا هر امری که در موارد امری به صورت آشکارا و علنی

۱. راغب اصفهانی، پیشین، ص ۵۸۲.

۲. دهخدا، علی اکبر، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۴۱۶۸.

۳. فرهنگ فارسی، معین، محمد، ۱۳۵۳، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج ۲، ص ۲۳۴۵.

درآمده، بدون آنکه در ملاء عام صورت گرفته باشد. در حقیقت اجرای شدن اجرای حکم لزوماً می بایست اجرای کیفر در ملاء عام صورت گیرد. بلکه می توان با احضار افراد اندک اجرای کیفرها را علنی نمود. با این توضیحات مشخص می شود که، برخی از کسانی که مخالف اجرای کیفر معتقدند با ورود ابزار اطلاع رسانی و ارتباطی به زندگی بشر، دیگر اجرای کیفر در ملاء عام از قوانین و مقررات کشورها، رخت بر بسته است. در نهایت باید گفت که در اصطلاح عرف واژه «علن» به همان مفهوم «ملاء عام» به کار برده می شود. در ایران عهد سلاطین ساسانی برای جلوگیری از هر نوع اقدام و اخلاقی بر علیه «دین و دولت» و بر ضد مصالح و منافع طبقه حاکمه، قوانین سخت و مقررات دشواری وجود داشت. شاه رأساً و رسماً قوه قضاییه را زیر نظر داشت و عمل داوری و دادرسی را معمولاً طبقه ی روحانی انجام می داد. در زمان ساسانیان نام قاضی و شغل قضاوت احترامی به سزا داشت و به طور معمول مردمانی مجرب و عادل، منصب قضاوت را احراز کرده آنطور که نیازی به یادگیری و مشورت با دیگران نداشته باشند. اعدام با شمشیر و مصلوب کردن، کندن پوست بدن، رجم و سنگسار کردن، ساییدن مجرمین در زیر پای پیل، ترسانیدن متهمین با آلات مختلف شکنجه، آویختن با یک پا بر دار، تازیانه زدن، در زخمها سرکه و نمک و انقوزه ریختن کندن پوست سر و چهره، ریختن سرب گداخته در گوش و چشم، کندن زبان، جوال دوز در چشم و تمام بدن فرو کردن، کندن گوشت تن مجرمین با شانه آهنین و آتش زدن آنان با نفت کما بیش معمول بود.^۲ با توجه به انواع مجازات های رایج در این دوره و شیوه اجرای آن که در ملاء عام صورت

۱. حجتی کرمانی، علی، پیشین، ص ۷۷.

۲. راوندی، مرتضی، پیشین، ص ۱۹.